

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال نوزدهم / دوره جدید / شماره ۶۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۵۰-۶۴ (مقاله علمی - پژوهشی)

تحلیل جرم در ملأ عام و عناوین مشابه در فقه مقارن

• مهدی رهبر

دانشیار گروه فقه و حقوق امامیه دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)
rahbarmahdi@yahoo.com

• میثم محمدی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی
meysam.m1370@gmail.com

• زهرا حسین پور

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی
zahraaa.hoseinpoor99@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۴

چکیده

«ملأ عام» موضوع برخی از احکام فقهی و حقوقی است که فقیه و قانون‌گذار بدون شناخت ماهیت امروزی آن نمی‌تواند درباره‌اش حکمی صائب صادر کند. از آنجا که برخی فقها و حقوقدانان در تعریف و تعیین مصداق ملأ عام، در اثر تشابه آن با برخی مفاهیم مشابه همچون: علن، تظاهر، تجاهر و جرم مشهود، دچار خلط موضوع شده‌اند، از این رو در احکام مترتب بر این‌گونه جرایم با چالش مواجه‌اند. این نوشتار در پی شناخت مفهوم ملأ عام و بیان وجوه افتراق و اشتراک آن با عناوین و واژگان مشابه است و برای این امر با رویکرد تطبیقی و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی مصادیق و ضوابط تشخیص آنها برای شناخت مفهوم دقیق تعبیر «ملأ عام» پرداخته است. طبق یافته‌های این پژوهش، ماهیت «ملأ عام» در فقه اسلامی و حقوق ایران، با نظرات گوناگونی روبه‌رو شده است؛ مشهور فقهای امامیه و اهل سنت «تجاهر به معاصی» را با «جرم در ملأ عام» یکسان پنداشته‌اند و قانون‌گذار ایران علی‌رغم به کار بردن لفظ «جرم در ملأ عام» در قوانین جزایی جزئی، آن را بر حسب ترادف ظاهری با «جرایم علنی» یکی دانسته است و ارتکاب جرم در مکان عمومی ولو بدون حضور ناظر را برای تحقق مفهوم علنی بودن جرم کافی دانسته؛ اما ضوابط تحقق جرم در ملأ عام را ذکر نکرده است. بر اساس مطالعه صورت پذیرفته در این مقاله؛ اصطلاح «ملأ عام» حقیقت شرعیه ندارد؛ بلکه در عرف فقها و حقوقدانان به کار رفته است؛ بنابراین بر اساس حقیقت عرفی؛ وجود ضوابط ۱. آشکارا و مقابل مردم، ۲. جماعت یا گروهی از مردم و ۳. مکان همگانی یا عمومی که همه در آن حضور دارند برای تحقق مفهوم «ملأ عام» لازم است.

کلیدواژه‌ها: ملأ عام، علنی، تظاهر، انظار، عمومی.



مقدمه

ورود تعبیر «جرم در ملاً عام» در قوانین جزایی و لحاظ آن به عنوان رفتار مجرمانه^۱ و بیان مبهم مقنن و عدم بیان مفاهیم و مصادیق ملاً عام و تفاوت آن با مفاهیم مشابه همچون علنی در قوانین جزایی، باعث خلط این دو مفهوم با یکدیگر و گاه یکی دانستن آنها شده است (رای صادره در دادگاه عمومی جزایی تهران، شعبه ۱۱۲۶، مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۹). ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد، که هرکس «علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود، که نفس آن عمل دارای کیفر نباشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد» به موجب این ماده تظاهر به ارتکاب عمل حرام در انظار و اماکن و معابر عمومی جرم شناخته شده است.

در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ تعریف علنی حذف شده است و صرفاً مفهوم علنی مربوط به اجرای مجازاتها و جلسات علنی دادگاه‌ها مشخص شده است. براین اساس موضوع‌شناسی تعبیر «ملأ عام» برای ارتکاب عمل مجرمانه نه تنها جهت تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار امری ضروری است، بلکه در برخی از جرایم که از ویژگی خاصی برخوردار بوده و مجازاتهایی بر اساس عنوان، مدنظر قرار می‌گیرد حائز اهمیت است. برای واکاوی این واژه، ابتدا به مفهوم دقیق لغوی «ملأ عام» و سپس به مفهوم اصطلاحی آن در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران و تفاوت آن با عناوین مشابه؛ علن، تظاهر و تجاهر به حرام، جرم مشهود و در نهایت به بیان منظور و مفهوم از «ملأ عامی» که در متون فقهی و قانونی به کار رفته است می‌پردازیم.

تحلیل لغوی «ملأ عام»

«ملأ عام» واژه‌ای است مرکب که از دو کلمه ملاً و عام تشکیل شده است. در لغت ملاً به معنای جمعیت زیاد تعریف شده است.^۲ «ملأ» با کلمات و حروف اضافه، ترکیب جدیدی پیدا می‌کند؛ آن را این‌گونه آورده‌اند:

«جماعة خطب في ملأ من الناس - قال يا موسى إن الملأ يأتمرون بك ليقتلوك، صرح بالموضوع على

۳. ابن منظور در مورد واژه «ملأ» این‌گونه آورده است: «والملا، مَهْمُوزٌ مَقْصُورٌ: الْجَمَاعَةُ، وَقِيلَ أَشْرَافُ الْقَوْمِ وَجُوهُهُمْ وَرُؤَسَاؤُهُمْ وَمُقَدِّمُوهُمْ، الَّذِينَ يُرْجَعُ إِلَيْهِمْ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۹). گروه مردم، و گفته شده اشراف قوم و سرشناسان و رؤسای آنها که به گفتار و سخنان آنها مراجعه می‌شود. این واژه به معنای جماعت (جوهری، بی تا، ج ۱، ص ۷۳؛ ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۳۹)، اشراف ناس و مطلق جماعت، بزرگان و بزرگواران، گروه مردم و خلق و مشورت نیز آمده است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۷۱). راغب آن را جماعتی که بر یک رأی‌اند معنی کرده است: «الملا: جماعة يجتمعون على رأی، فیملئون العیون رواء و منظرًا، والنفس بهاء؛ والملا: الخلق المملوء جمالا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۶). در برخی فرهنگهای فارسی نیز در خصوص واژه ملاً این‌گونه آورده‌اند: جایی که همگان در آن حضور دارند، گروه، جمع (انوری، ۱۳۸۱ش، ج ۷، ص ۷۳۰۸) اجتماع، کنکاش و گروه مردم (عمید، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۸۴۴).

در ماده ۲۱۴ مکرر الف قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۲ قانون‌گذار جرم علنی را تعریف کرده بود؛^۲ اما

۱. بند ۱۳م از ماده یک آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴/۵/۲۲ «کسانی که برخلاف شعائر مذهبی یا آداب ملی به مردگان در ملاً عام ناسزا گفته یا اهانت نمایند به دو روز تا پنج روز حبس تکذیری (حبسی که برای بزه‌های کوچک در امور خلافی با هدف ترویج خلفکار تعیین می‌شود و مدت آن از دو تا ده روز می‌باشد) و به تأدیه ده ریال تا پنجاه ریال غرامت محکوم می‌گردند» و ماده یک قانون نحوه رسیدگی تخلفات فروشندگان لباس مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ «کسانی که عالماً لباسها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا در ملاً عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیای مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود» مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸.

۲. از نقطه نظر قوانین جزایی، هرگاه ارتکاب عملی در مرئی و منظر عموم صورت گیرد، اعم از این که محل ارتکاب از امکان عمومی باشد، یا خیر و یا در اماکن عمومی و اماکن مهیا برای پذیرش عموم باشد، آن را علنی گویند (بند الف از ماده ۲۱۴ مکرر ق.م.ع). براساس نظریه مشورتی اداره حقوقی گفته شده است که «صرف ارتکاب فعل حرام با سوء نیت خاص در انظار و اماکن عمومی برای تحقق بزه کافی است، اعم از این که در لحظه ارتکاب بیننده‌ای حضور داشته یا نداشته باشد» (نظریه ۷/۵۵۵۷-۷۲/۹/۱۳-۷ اداره حقوقی قوه قضائیه، به نقل از محشای قانون مجازات اسلامی ایرج گلدوزیان).





رءوس الملائ، صرح بالموضوع على الملائ: علانية، أمام الناس» (عمر، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۲۱۱۷) به این معنی که؛ جماعتی در مقابل مردم سخنرانی کردند. هر دو به این معنا است که آشکارا و مقابل مردم درباره این موضوع سخن گفتند. ناگفته نماند که واژه ملا در آیات^۴ و در احادیث متعددی^۵ که مربوط به ملا عام اند

۴. در قرآن کریم در آیه‌های «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (بقره، ۲۴۶)؛ «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ» (اعراف، ۶۰)؛ «إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ» (قصص، ۲۰)؛ «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ» (نمل، ۲۹) و امثال آنها ملا به معنی گروهی از هر قوم و در جای دیگر مثل: آیه ۴۳ سوره یوسف «يا ايها الملاء افتوني» به معنی بزرگان قوم و گروه اشراف به کار رفته است. همچنین در آیه ۶۹ سوره ص «ما كان لي من علم بالملاء الأعلى اذ يختصمون» ملاً اعلی به معنی فرشتگان عالم بالا است زیرا «ملاً» در اصل به جماعت و گروهی گفته می‌شود که بر نظر واحدی اتفاق دارند، و چشم دیگران را با این هماهنگی و وحدت پر می‌کنند و اشراف و اعیان و اطرافیان مراکز قدرت را نیز «ملاً» می‌گویند؛ زیرا که وضع ظاهری آنها چشم‌برکن است، ولی هنگامی که توصیف به «اعلی» می‌شود، اشاره به ملائکه کرام و فرشتگان والامقام حق است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۵۵۰).

۵. در احادیث: پیامبر خدا(ص): «يَلْزَمُ أُمَّتِي الْحَقَّ فِي أَرْبَعٍ: يُحْيُونَ النَّائِبَ، وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ، وَيَسْتَعْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ، وَيَدْعُونَ لِلْمَلَأِ...؛ توبه کار را دوست بدارند؛ امت من، چهار وظیفه دارند. نیکوکار را یاری رسانند، برای گناهکاران آموزش بطلبند و برای عموم دعا کنند.» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۶۳). پیامبر اکرم(ص) در حدیث قدسی دیگری می‌فرماید: «وَرَوَى عِدِّي بَسْنُ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: [إِنَّهُ] يَقُولُ اللَّهُ: يَا إِبْنِ آدَمَ اذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ اذْكُرْكَ فِي نَفْسِي وَ اذْكُرْنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ اذْكُرْكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٌ مِنْهُمْ...؛ ای پسر آدم، مرا در درون خود به یاد آور. شما را در درون خود به یاد می‌آورم و مرا در جمع مردم به یاد آورید تا شما را در مجلسی که از آنها بهتر است به یاد آورم.» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص). امام علی(ع) می‌فرماید: «كُنْ فِي الْمَلَأِ وَقُورًا، وَ فِي الْخَلَاءِ ذُكُورًا؛ در میان جمع باوقار باش و در خلوت به یاد خدا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۹) و نیز می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدْ عِلْمَهُ فِي الْخَلَاءِ فَضَحَهُ بَيْنَ الْمَلَأِ؛ کسی که بررسی نکند دانش خود را در خلوت، رسوا سازد او را در میان جمعیت.» (لیثی واسطی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۶۵). امام صادق(ع) می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِّنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ؛ خداوند تعالی فرمود: هر که مرا بین گروهی از مردم یاد کرد، من از او با گروهی از فرشتگان یاد کردم» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۱۸۵؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۹۸).

ذیل سه عنوان به معنای اجتماع یا گروهی از مردم، جمعیت و مجلس به کار رفته است.

بنابراین لفظ «ملاً» به تنهایی و در ترکیب با حروف اضافه به سه تعبیر بیان شده است: الف) جماعت یا گروهی از مردم ب) مکان همگانی یا عمومی که همه در آن حضور دارند ج) آشکارا و مقابل مردم. این سه معنا به نحوی با هم ملازمه دارند؛ زیرا گروهی که در مکانی عمومی گرد هم جمع می‌شوند در مرئی و منظر دیگران اند و به چنین جماعتی ملاً گویند. اما واژه «عام»، در مقابل خاص، به معنای عموم مردم به کار رفته است.^۶

اینکه کلمه عموم و عام بر چند نفر قابل اطلاق است، گفته‌اند: «عام لفظ واحدی است که بر دو یا بیشتر دلالت می‌کند» (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۰) همچنین بر اساس معنای لغوی و اصطلاحی عام، که معنای جماعت و همه مردم در آن نهفته است. مردم اسم جمع است و دلالت بر حداقل سه نفر می‌کند. بر این اساس «ملاً عام» که با تعبیر «ملاً من الناس» به کار رفته است؛ اسم جمع و به معنی اجتماع و جماعت، گروه مردم و غلبه و چیرگی است. اقل جماعت سه نفر یا بیشتر مطابق احتیاط است و این تعداد برحسب عرف و عادت است (ابن ادریس،

۶. همه را فراگیرنده، شامل، همگانی، همگان (معین، ۱۳۷۴ش، ص ۶۴۱) توده مردم به ویژه مردم کم سواد و خرافی (انوری، همان، ص ۴۹۵۸) مردم کوچه و بازار و همچنین علن آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۲۴۸۱). لفظ عام از ریشه (عمم، عمّ) در معانی همگانی، همگان، جماعتی از مردم، تمام مردم، همه را فراستنده، همه را فراگیرنده، شامل، خلاف خاص، همه و عموم به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص: طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۲۴؛ حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱۷، ص ۵۰۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۰، ص ۱۵۶۷۳؛ عمید، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۱۶۹۷) عام در لغت مشتق از عموم و در دو معنای استیعاب (در برگرفتن و شامل شدن) و کثرت و اجتماع به کار رفته است. زمانی که در مورد مکان به کار برود منظور تمام مکانهای مشترک است و زمانی که در مورد مردم به کار برود منظور تعداد زیاد افراد عادی است (عبدالمعتم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۴).



ملأ من الناس»، «باشهار ذنبه فی الملاء»^۹ به کار رفته است. این استعمالات حاکی از حضور تعدادی از مردم و انجام عملی در برابر آنان می‌باشد. در ارتباط با «جرایم در ملأ عام» که در قوانین جزایی به آن اشاره شده است نیز منظور از آن جرایمی است که در برابر انظار تعدادی از افراد واقع می‌شود.^{۱۰}

اصطلاح فقهی «ملأ عام و تجاهر»

اصطلاحاتی وجود دارند که که با ملأ عام قرابت معنایی دارند. در خصوص اصطلاحات مشابه مانند «علن»^{۱۱}

۹. «کل أمتی معافی» بفتح الفاء مقصوراً اسم مفعول من عافاه الله إذا عفاه وقال النوی: هو بالهاء فی آخره هكذا هو فی معظم النسخ والأصول المعتمدة اه. وفی نسخ المصاییح وغيرها معافی بلا هاء كما هنا قال الطیبی: وعلیه فینبغی أن تکتب ألفه بالياء فیکون مطابقاً للفظ کل (إلا المجاهرین) أي لکن المجاهرین بالمعاصی لا یعافون من جاهر بكذا بمعنی جهر به وعبر بفاعل للمبالغة أو هو علی ظاهر المفاعلة والمراد الذی یجاهد بعضهم بعضاً بالتحديث بالمعاصی وجعل منه ابن جماعة إفشاء ما یکون بین الزوجین من المباح ویؤیده الخبر المشهور فی الوعید علیه (وإن من الجهار) أي الإظهار والإذاعة (أن یعمل الرجل باللیل عملاً) مسیئاً (ثم یصبح) أي یدخل فی الصباح (وقد ستره الله فیقول عملت البارحة) هی أقرب لیلته مضت من وقت القول من برح زال (کذا وكذا وقد بات یستره ربه ویصبح یکشف ستر الله عنه) باشهار ذنبه فی الملاء وذلك خیائته منه علی ستر الله الذی أسدله علیه وتحریک لرغیة الشر فیمن أسمعه أو أشهده فهما جنایتان انضمتا إلى جنایتیه فتغلظت به فإین انضاف إلى ذلك الترغیب للغير فیهِ والحمل علیه صارت جنایة رایعة وتفاحت الأمر» (مناوی، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱).

۱۰. در بند ۱۳م از ماده یک آیین‌نامه امور خلافتی مصوب ۱۳۲۴/۵/۲۲ مقرر داشته: «کسانی که برخلاف شعائر مذهبی یا آداب ملی به مردگان در ملأ عام ناسزا گفته یا اهانت نمایند سه دو روز تا پنج روز حبس تکذیری (حبسی) که برای بزبه‌های کوچک در امور خلافتی با هدف توییح خلافتکار تعیین می‌شود و مدت آن از دو تا ده روز می‌باشد) و سه تأدیه ده ریال تا پنجاه ریال غرامت محکوم می‌گردند» و در ماده یک قانون نحوه رسیدگی به تخلفات فروشندگان لباس مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ می‌نویسد: «کسانی که عالماً لباسها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروههای ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا در ملأ عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیای مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود».

۱۱. در لسان العرب، به معنای آشکار و ظاهر و «اعلان» به معنای ظاهر و آشکار نمودن یک شیء و یک مطلب بیان گردیده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۸۸) بنابراین آنچه که از آن در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، آشکار و غیر مخفی بودن چیزی است.

۱۴۱۰ق، ج ۳؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۷۰). امام شافعی و امام مالک در ارتباط با تعداد نفرات حاضر برای اجرای حدود از واژه «ملأ من الناس» استفاده کرده‌اند و فرموده‌اند: «یستحب حضور جماعه و آن یکونوا أربعه علی الأقل» (زحیلی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۶۴)

بنابراین چنان‌که ملاحظه می‌شود، کلمه «ملأ» بدون کلمه «عام» نیز همان مفهوم را دارد و می‌توان گفت «عام» وصف توضیحی و تأکیدی برای «ملأ» است؛ مثل خورشید روشن. به بیان دیگر به نظر می‌رسد که این دو واژه تقریباً در معانی بسیار نزدیک به هم به کار رفته‌اند؛ اما از ترکیب آنها، بر اساس تعاریف لغوی ملأ که از پیش ذکر شد (جماعت یا گروهی از مردم، مکان همگانی یا عمومی که همه در آن حضور دارند، آشکارا و مقابل مردم) و همچنین برحسب حد نصاب افراد در معنای عام که حضور جمع کثیری از افراد عادی به ذهن متبادر می‌گردد، منظور از ملأ عام در لغت، به معنای «در انظار عموم مردم و در اماکن عمومی و همگانی که مردم حضور دارند و در معرض دید مردم کوچه و بازار» است.

«ملأ عام» اصطلاح فقهی و حقوقی

با تتبع در کتب فقهی تعریفی از واژه ملأ عام صراحتاً ارائه نشده است، لیکن مفهوم فقهی ملأ عام نمی‌تواند، خیلی دور از مفهوم لغوی آن باشد. از منظر معناشناسی واژه «ملأ عام» در اصطلاح فقه مذاهب اسلامی؛ حقیقت شرعی ندارد و در منابع فقهی تعابیری مانند: «فی ملأ من الناس»^۷، «علی ملأ من الناس»^۸، «امام

۷. «وإذا قذف محصناً أو محصنة، لم تقبل شهادته بعد ذلك، إلا ان یتوب أو یرجع، ولیس یصح توبته من ذلك إلا بان یکذب نفسه فی ملاء من الناس فی المكان الذی قذف فیهِ» (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۴۹).
۸. «والمرجع فی المداومة والإکنار إلى العاده، ویختلف الأمر فیهِ بعبادات النواحی و البلاد، ویستقیح من شخص قدر لا یستقیح من غیره، ولألمکنه فیهِ أيضاً کثیر، فاللعب بالشرطنج فی الخلوۃ مراراً لا یکون کللب به فی سوق مره علی ملا من الناس» (نوی، ۱۴۲۳ق، ج ۸، ص ۲۰۷).



«تظاهر»، «تجاهر»^{۱۲}، «مشهود»^{۱۳} با توجه به معنای لغوی آنها، آنچه در همه مشترک است، دیده شدن است. با این تفاوت که برای تحقق مفهوم علنی، تظاهر، تجاهر و مشهود، دیده شدن توسط حداقل یک نفر کافی است؛ اما در ملاً عام دیده شدن توسط حداقل سه نفر شرط است. این در حالی است که در تظاهر و تجاهر آشکار شدن عمدی فعل مدنظر خواهد بود؛ ضابطه‌ای که در مفاهیم ملاً عام و علنی و مشهود شرط نیست. در متون فقهی اسلامی اعم از شیعه و سنی از واژه‌هایی مانند: تظاهر، تجاهر، علن، المجاهره علی المجتمع، متظاهر بقبیح، معلنا بفسقه، المجاهره بالذنوب و إشاعتها، المعلن بالمعصية و مانند اینها استفاده شده است.

در برخی متون فقهی امامیه، تجاهر و تظاهر به عنوان دو کلمه مترادف به کار رفته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به عبارات زیر می‌توان اشاره کرد: مرتضی انصاری می‌گوید: «ارتکاب علنی گناه با علم و التفات به گناه بودن آن، در مرئی و منظر دیگران است از این رو

۱۲. «تَظَاهَرًا [ظَهْرًا] و «تَجَاهَرًا [جَهْرًا] بِالْأَمْرِ» را به معنای تظاهر کردن و آشکار کردن آورده‌اند (فرهنگ ابجدی فارسی - عربی) واژه ی تظاهر؛ هر گاه «ظهر» به باب تفاعل برده شود، معنای آشکار کردن و ظاهر کردن به طور عمدی و از سر عصیان می‌گیرد؛ زیرا در ادبیات عرب اگر فعلی به باب تفاعل برود، معنای تعدی گرفته و متعدی می‌شود و بیانگر نوعی تعدی در انجام کار خواهد بود. البته تظاهر، تعدد را می‌رساند، ولی الزاماً مرادف با عصیان نیست. تظاهر به جرم ملازمه با علنی بودن آن است (آذرنوش، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۱۵) - در قاموس قرآن «جهر» به معنی آشکار شدن و آشکار کردن آمده است، اعم از آن که به وسیله دیدن باشد یا شنیدن مثل «بُفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا» (نحل، ۷۵) که به وسیله دیدن است و مثل «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ» (رعد، ۱۰) که به وسیله شنیدن است. پس به این معنا «جهر» هم قولی است و هم فعلی. (قرشی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۷۹)؛ واژه ی تجاهر نیز که در باب تفاعل است نیز به معنای آشکار کردن عمدی یک فعل می‌باشد و مراد از متجاهر به فسق کسی است که مرتکب زشتیهای آشکار شده و در مرئی و منظر مردم به انجام عمل مجرمانه دست می‌یازد. (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ۲۷۶) از اینرو دو واژه ی (تظاهر و تجاهر) یکی پنداشته شده اند به گونه ای که برای تحقق این معانی مشاهده شدن توسط حداقل یک نفر که وقوع فعل را از حالت مخفیانه خارج می‌کند کافی است.

۱۳. واژه «مشهود» نیز به معنای حاضر شده، آنچه دیده شده، نمایان، هویدا، پیدا و پدیدار می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۴۳، ص ۵۳۰).

ارتکاب گناه از روی جهل، یا سهو تجاهر محسوب نمی‌شود» (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۴۶). حسینی روحانی نیز می‌نویسد: «انجام علنی عمل قبیح با علم به قبیح بودن آن و علم مردم به انجام عمل قبیح از طرف آن شخص، به عنوان اینکه آن عمل قبیح است» (حسینی روحانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۴۸).

مکارم شیرازی می‌نویسد: «تظاهر به حرام در مورد شخصی است که به معصیت تجاهر می‌کند، با علم به موضوع و حکم آن، به این که مایع فجاج است و حکم آن حرام است، ولی بدان توجهی ندارد و اگر در هریک اشتباه کند متجاهر نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۳ ق، ص ۲۸۵).

امام خمینی بر این نظر است که: «تظاهر به فسق مترادف با تجاهر به فسق (آشکارا انجام دادن گناه) است؛ مراد از آن ارتکاب علنی گناه با علم و التفات به گناه بودن آن در مرئی و منظر دیگران است. از این رو، ارتکاب گناه از روی جهل یا سهو، تجاهر محسوب نمی‌شود؛ چنان‌که تظاهر به آن با عذر، هر چند غیرموجه - مانند همکاری با ظالم با ابراز معذور بودن در این کار تجاهر به شمار نمی‌رود و نیز بر تظاهر به گناه نزد دوستان و خواص یاران، تجاهر صدق نمی‌کند مگر آنکه شمارشان زیاد باشد. باید توجه داشت که مراد از تظاهر به جرم، ارتکاب ممنوعات در انظار مردم است؛ بنابراین جهر نزد دوستان و همپالگه‌های مجرم نشانگر تجاهر وی نخواهد بود. همچنان که منظور از آن، تجاهر نزد همه مردم شهر نیز نیست؛ بلکه کافی است نزد گروهی از مردم مرتکب جرم شود به نحوی که عرفاً مصداق ارتکاب علنی رفتار مجرمانه باشد» (خمینی، بی‌تا، ج ۱، صص ۴۱۶-۲۷۶).

حسینی شاهرودی در تعریف تجاهر به فسق قائل به عرفی بودن این عنوان است؛ ایشان در تعریف آن آورده است: «تجاهر به فسق از عناوین عرفی است؛ مانند تجاهر به امور خارجی؛ منظور از تجاهر

(نزد عرف)، نزد عامه مردم یا اهل شهر یا محله فرد نیست، بلکه منظور فردی است که بدون حیا در برابر دیگران معصیت می‌کند، برخلاف کسی که گنااهش را می‌پوشاند، پس غیبت چنین کسی مجاز است حتی نزد کسی که او را به چنین صفتی نمی‌شناسد، حتی اگر آن شخص استنکاف کند و نپذیرد چنین نسبتی را و اذیت بشود از این عمل.» (حسینی شاهرودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۸)

تعبیر دیگری از تجاهر شده است که در این جا قابل تأمل است؛ تجاهر به معنای انجام عمل در نظر مردم و در ملاء عام نیست، بلکه همین که شخص مرتکب، عملش را اعلام و اظهار نماید و اطلاع بقیه نسبت به فعل او از طریق خودش باشد، وی متجاهر است و فعل او تجاهر محسوب می‌شود؛ بنابراین در این جا تجاهر معنایی اخص نسبت به ارتکاب فعل در ملاء عام دارد.^{۱۴} از عنوان تجاهر و تظاهر در موضوعات مختلف فقهی، به مناسبت یاد شده؛ به عنوان مثال در مورد قذف، سرقت، شرب خمر، روزه‌خواری و... بدانها اشاره شده است و علاوه بر آن تظاهر به حرام را ذیل استثنائات غیبت آورده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۲۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۰؛ حلی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۹۱؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳).

بنابراین تظاهر (تجاهر) به معنای انجام دادن علنی عمل قبیح با علم و التفات به قبیح بودن آن در مرئی و منظر مردم می‌باشد. از این رو بر اساس دیدگاه فقهای امامیه، در تظاهر به حرام شرط است که فرد گناهکار با علم و از روی عمد و عصیان، فعل حرام را در انتظار عموم مردم انجام دهد. حال اگر شخصی نسبت به عملی آگاهی نداشته چه نسبت به موضوع و چه نسبت به حکم یا اگر شخصی سهواً مرتکب گناهی شد در این صورت عنوان تجاهر که در آن

علم و عمد مهم است صدق نمی‌کند. اگر کافر ذمی مرتکب جرمی (مانند شراب‌خواری) شود که در دین خودش جرم محسوب نشود، به اجماع فقیهان، دادگاه اسلامی نمی‌تواند متعرض او بشود؛ زیرا طبق عقد ذمه، کافر آزاد است تا به آیین خود عمل کند و شراب‌خواری هم در آیین او اشکالی ندارد، پس می‌تواند آن را انجام دهد، مگر آن که این نوع از منکرات را به طور علنی انجام دهد. در این صورت چون در عقد ذمه، انجام علنی منکرات ممنوع شده است، دادگاه اسلامی می‌تواند او را محاکمه نماید (طوسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۰ و ۶۱؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۲۳؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۷).

سید ابوالقاسم خویی بیان می‌دارد روایت ظهور دارد نسبت به افرادی که مطلقاً حیا نمی‌کنند از اینکه دیگران از فعلشان با خبر شوند و به شخصی که نزد رفیقان و یاران رازدارش فعلی را مرتکب شود متجاهر نمی‌گویند و همچنین مصنف اشاره به موضوعی کرده است که جای تأمل دارد: «چه بسا اشخاصی باشند که در شهر خودشان متجاهرند اما در شهرهای دیگر مستترند و در آن مکانها به آنها نسبت متجاهر داده نمی‌شود».^{۱۵} از متن دو نکته برداشت می‌شود: نخست آنکه چنانچه شخصی علناً فعل حرامی را بین دوستان و خواص مرتکب شود متجاهر نیست و دوم ممکن است شخصی در شهر خودش متجاهر باشد؛ اما در شهر و مکان دیگری به عنوان فرد مستتر شناخته شود.

بنابراین از این جهت مطلب فوق با ضابطه قید مکان در جرایم در ملاء عام مرتبط است. عنصر مکان عمومی در تحقق تجاهر به فسق شرط نیست در

۱۵. «ظهور روایات الرخصة فیمن لا یستتکف عن الاطلاع علی عمله مطلقاً، فرب متجاهر فی بلد متستر فی بلاد الغربة أو فی طریق الحج و الزیارة لئلا یقع عن عیون الناس. نعم لو تجاهر بذلک بین جماعة هم أصحاب سره و رفقائه فی العمل فإنه لا یعد متجاهراً بالفسق» (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۱).

۱۴. «لیس معنی التجاهر الإتیان بمثل الزنا عند حضور الناس و فی ملاء عام، بل الإتیان به و إظهاره و إعلامه به، بحيث کان طریق الاطلاع من جانبه، و علیه فالتصدیق بما أنه یجعله متجاهراً یرجعه عن موضوع الحدّ» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۹۵).





حالی که در تحقق جرایم ارتكابی در ملاً عام شرط است. از طرفی بر اساس برداشت نکته اول؛ عنصر در انظار عموم برای تجاهر به فسق ضروری است که از این جهت با مفهوم ملاً عام وجه اشتراک دارند. بر اساس مصادیق مذکور در ابواب مختلف فقهی میان دو مفهوم علنی و تجاهر به فسق عموم و خصوص مطلق برقرار است. هر تجاهر به فسقی علنی است؛ اما در مقابل، بعضی جرایم علنی در صورت احراز قصد مرتکب، تجاهر به فسق خواهند بود و بعضی از جرایم علنی تجاهر نیستند.

تحلیل تجاهر در بیان فقهای اهل سنت

از تعابیر «المجاهره علی المجتمع، متظاهر بقبیح، معلنا بفسقه، المجاهره بالذنوب و إشاعتها» اهل سنت، ذیل تفسیر و تبیین واژه مجاهرین در حدیث مشهور صحیح «عن أبا هريرة يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: كل أمتي معافي إلا المجاهرين، وإن من المجاهره أن يعمل الرجل بالليل عملاً، ثم يصبح وقد ستره الله، فيقول: يا فلان، عملت البارحة كذا وكذا. وقد بات يستره ربه، ويصبح يكشف ستر الله عنه، متفق عليه» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۰) استفاده کرده‌اند که در تحلیل مفهوم مورد نظر مؤثر واقع می‌شوند.

در کتاب احکام المجاهرین بالكبائر از ذیاب بن سعد آل حمدان غامدی در تعریف لغوی و شرعی «المجاهره بالذنوب و اشاعتها» چنین بیان داشته است: در لغت جهر به معنای اعلام کردن، پرده‌برداری از یک امر مخفی یا بزرگ‌نمایی کردن یک چیز می‌باشد و منظور از جهر مذکور در حدیث یعنی؛ تمام اتمم مصون هستند و مورد بخشش و عفو قرار خواهند گرفت، مگر کسانی که بزرگ‌نمایی می‌کنند یا آشکار می‌کنند عیوب و ذنوب خودشان را و نیز در مورد آن صحبت می‌کنند و برایشان مهم نیست که این قضیه در جامعه نمود پیدا کند. نویسنده در شرح حدیث، مجاهرین را

به دو قسم تقسیم می‌کند:

۱- «أن يعمل المعصية وهو مجاهر بها، فيعملها أمام الناس، وهم ينظرون إليه، هذا لا شك أنه غير معافي، وهو من المجاهرین؛ لأنه جر علی نفيه الویل، وجره علی غیره أیضا» شخص فعل حرام را انجام می‌دهد، آن را اعلان و آشکار می‌کند و در حالیکه مردم نظاره‌گر او هستند در انظار عموم آن را مرتکب می‌شود، بدون شک چنین شخصی مورد عفو و بخشش قرار نخواهد گرفت؛ به این دلیل که مجاهر بالذنوب و بالفسق در چنین حالتی هلاک و نابودی را به سوی خودش و دیگران حمل خواهد کرد. در ارتباط با خودش مورد عذاب واقع خواهد شد به این علت که خدا و رسولش را مورد نافرمانی قرار داده است و هرکس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند در وهله اول به خودش ظلم می‌کند که خداوند تعالی فرموده است: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (بقره، ۵۷) و در ارتباط با دیگران، به این علت که وقتی دیگران گناه وی را می‌بینند در جان و نفسشان آن گناه کوچک می‌شود و مانند آن را انجام می‌دهند و برایشان قبحی نخواهد داشت و می‌شود مصادیق پیشوایانی که به سمت آتش فرا می‌خوانند. همان‌گونه که خداوند تعالی در مورد آل فرعون فرموده است: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلِي النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص، ۴۱).

۲- «قد يخفي علی بعض الناس فقال: و من المجاهره، أن يعمل الرجل، أي: يعمل الإنسان العمل السيئ في الليل فيستره الله عليه، يعمل العمل في بيته فيستره الله عليه، ولا يطلع علی أحد، ولكنه إذا قام في الصباح واختلط بالناس قال: عملت البارحة كذا، و عملت كذا، فهذا ليس معافي، هذا والعياذ بالله قد ستر الله عليه فأصبح يفضح نفسه!» شخص فعل حرام را در مقابل دیدگان عموم انجام نمی‌دهد؛ بلکه در شب و در خانه‌اش به طور مخفیانه انجام می‌دهد و خداوند آن را از چشم دیگران می‌پوشاند و کسی از آن اطلاع ندارد؛ اما شخص صبح و زمانی که در میان مردم می‌آید و با

آنان حشرونشر دارد می‌گوید دیشب من فلان کار را کردم. چنین شخصی مورد عفو قرار نخواهد گرفت. چنین شخصی خداوند عیبش را پوشانده است؛ اما خودش باعث بی‌آبرویی خود می‌شود.

در این حالت دو سبب وجود دارد: سبب اول این است که انسان غافل باشد؛ اما سلیم‌القلب باشد، گناهی را مرتکب می‌شود؛ اما از روی سادگی و نه از روی بدطینتی و قصد سوء آن را تعریف می‌کند. اما سبب دوم این است که برخی افراد دوست دارند اعلان رسمی کنند که قصد مخالفت با خدا را دارند و معاصی را مرتکب می‌شوند و با افتخار از آن صحبت می‌کنند؛ مانند اینکه غنیمتی به دست آورده‌اند و این کار را برای اعلام مخالفت با خدا و اعلام نافرمانی خودشان با خدا می‌کنند. این افراد بدترین نوع جاندارانند (آل حمدان غامدی، ۱۴۲۹ق، صص ۸۶-۸۷).

بر اساس استدلال مصنف در قسم اول (در جایی که شخص فعل حرام را انجام می‌دهد، آن را اعلان و آشکار می‌کند و در حالی که مردم نظاره‌گر او هستند در انتظار عموم آن را مرتکب می‌شود)، منظور از مجاهرین در حدیث با ارتکاب جرم در ملأ عام نسبت تساوی و مترادف خواهد داشت؛ به این دلیل که ضابطه تحقق مفهوم ملأ عام در این حالت محقق شده است.

در کتاب فیض‌القدیر فی شرح الجامع الصغیر عن جلال‌الدین سیوطی در شرح حدیث «کل امتی معافی الا المجاهرین» مصنف از اصطلاح «بإشهار ذنبه فی الملأ» در توضیح مفهوم مجاهره استفاده کرده است (مناوی، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱). در این کتاب لفظ ملأ مترادف با ملأ عام مصطلح و به معنای اعلام گناه خود در ملأ عام به کار رفته است. در حاشیه رد‌المحتار در بیان وجوه غیبت از تعابیر «معلنا بفسقه»، شخصی که فسق او علنی باشد و «متظاهر بقبیح» شخصی که کارش پوشیده نیست و برایش مهم نیست که در مورد او گفته شود که فلان کار را انجام می‌دهد، استفاده

کرده است (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۷۲۹).

اصطلاح حقوقی «ملأ عام و علنی»

در مواد قانونی متعددی که مرتبط با مصادیق جرم در ملأ عام هستند الفاظ مشابه این مفهوم به کار رفته است. ذیلاً به چند مورد از این مواد قانونی اشاره می‌گردد:

– ماده ۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملأ عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند: «کسانی که عالماً لباسها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا در ملأ عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیای مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود.»

– ماده ۴: «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازاتهای مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.»^{۱۶} قید «انظار عمومی» در ماده مذکور با قید «ملأ عام» در رأی صادره از دادگاه مترادف در نظر گرفته شده است.

– ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. تبصره: اماکنی که بدون

۱۶. عنوان: ظاهر شدن در ملأ عام به صورت برهنه اقدامات. پیام: متهم در ظاهر شدن در ملأ عام به صورت برهنه مصداق جرم جریحه‌دار کردن عفت عمومی است نه مزاحمت برای بانوان. ۲. در جرم اهانت، حتماً باید شاکی خصوصی اعلام شکایت کند (مستندات: ۶۳۸ و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵؛ شماره دادنامه قطعی: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، ۱۴۸۶/۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۴۸۶/ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، رئیس شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).





تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمتهای مشترک آپارتمانها، هتلها، بیمارستانها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.»

ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «جرم مشهود جرمی است که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شود.» در بند ۱ این ماده «مرئی» و «منظر» بر وزن مفعول، اسم مکان در زبان عربی است که در این جا به معنای «در برابر چشمان، در نظرگاه، در معرض دید، تماشاگاه» می‌باشد (آخوندی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۳۵).

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» مهم‌ترین نکته در این ماده، اعطای جنبه عمومی به عمل مرتکب است.

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود، که نفس آن عمل دارای کیفر نباشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»^{۱۷}

ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از

۱۷. عنوان: مفهوم علناً و در انظار عمومی در ارتکاب فعل حرام. پیام: عبارت علناً و در انظار عمومی به معنای آن نیست که کسی شاهد عمل باشد، بلکه قابلیت عمل برای این که در معرض دید دیگران قرار گیرد کافی است. (مستندات: ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵؛ شماره دادنامه قطعی: ۰۸۰۷/۰۲۲۲۷۰۲۲۲۷۰۹۹۷/۹۲ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۲/۰۶/۲۳ شعبه ۲۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران). عنوان: تظاهر به روزه‌خواری در ملأ عام. پیام: تظاهر به روزه‌خواری در ملأ عام مصداق ارتکاب فعل حرام است (مستندات: ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵؛ شماره دادنامه قطعی: ۰۸۸۸/۰۴۰۲۲۰۹۹۷/۹۲ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۲/۰۷/۷، رئیس شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی جزایی تهران).

یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: بند ۱- هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذار یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه‌دارد. بند ۳- هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد.

ماده ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر: «چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملأ عام اجرا خواهد شد.»

تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.»

اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

ماده ۷ دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها مصوب ۱۴۰۰/۰۲/۲۸: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور اشخاص حقیقی یا خبرنگاران و اصحاب رسانه با توجه به ظرفیت دادگاه است. در صورت اخلال در نظم دادگاه توسط افراد حاضر، قاضی دادگاه مطابق ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می‌نماید.»

چهار ماده اخیر اشاره به مفهوم علنی بودن محاکمه و اجرای آن در ملأ عام دارند و به مسئله علنی بودن و در ملأ عام بودن ارتکاب جرم ارتباطی ندارند. در

ارتباط با معنا و منظور قانون‌گذار از «علنی» در هیچ‌یک از قوانین بعد از انقلاب توضیح داده نشده است؛ اما ماده ۲۱۴ مکرر الف قانون مجازات عمومی در این مورد چنین مقرر می‌داشت: از نقطه نظر قوانین جزایی هرگاه ارتکاب عملی در مرئی و منظر عموم صورت گیرد، اعم از این‌که محل ارتکاب از امکان عمومی باشد، یا خیر و یا در اماکن عمومی و اماکن مهیا برای پذیرش عموم باشد، آن را علنی گویند (بند الف از ماده ۲۱۴ مکرر ق. م. ع) و از سوی دیگر باید توجه داشت که «صرف ارتکاب فعل حرام با سوء نیت خاص در انظار و اماکن عمومی برای تحقق بزه کافی است، اعم از این‌که در لحظه ارتکاب بیننده‌ای حضور داشته یا نداشته باشد» (نظریه ۷/۵۵۵۷-۷۲/۹/۱۳-۷۲/۹/۱۳ اداره حقوقی قوه قضائیه، به نقل از گلدوزیان).

بنابراین «مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به‌طور علنی اعم است، از این‌که عمل در مرئی و منظر عمومی واقع شود و یا در مکانی که مستعد عموم باشد و قصد مرتکب به پنهان نمودن عمل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن آن تأثیری نخواهد داشت؛ بنابراین احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع به هیچ وجه تأثیری در علنی بودن موضوع ندارد و همین که عمل در محلی به وصف مذکور ارتکاب شود، علنی محسوب می‌گردد» (حکم شماره ۴۱۳-۱۸/۲/۳۱-شعبه ۲ دیوان عالی کشور) پس ارتکاب عمل منافی عفت در پس‌کوچه و تاریکی شب مشمول ارتکاب عمل در علن خواهد بود (شکری و سیروس، ۱۳۸۲ش، ص ۸۱۷).

۱. مفهوم علنی

بنا به تعابیر فوق برای اینکه جرمی علنی محسوب شود یکی از دو عنصر ذیل به تنهایی کافی است که جرم مصداق پیدا کند: الف) در مرئی و منظر عمومی؛ یعنی در پیش چشم اشخاص باشد ب) در اماکنی که معد برای پذیرش عموم است از قبیل حمام، نمایشگاه، قهوه‌خانه و غیره و با این تعریف در مورد

فقره ب لازم نیست که اشخاص حضور داشته باشند و عمل را ببینند؛ در حقیقت علن به معنای اخص کلمه یعنی حضور تماشاچی و ناظر نیست و همان مکانی که معد برای پذیرفتن عموم است ولو اینکه خلوت و خالی از سکنه باشد و بزهی واقع شود کافی برای اطلاق جرم علنی خواهد بود؛ بنابراین اگر شخصی در حمام عمومی که خالی از مشتری است و یا در کافه و رستوران خلوتی که هیچ‌کس در آنجا هنگام وقوع جرم حضور نداشته باشد، مرتکب عملی شود که قانوناً جرم است، جرم او علنی بوده و بر طبق مواد موضوعه قابل پیگرد کیفری است (تمدن، ۱۳۲۲ش، ص ۴۹۹) بنابراین کلمه علنی که در فارسی به معنای آشکار است مطابق تفسیری که در ماده فوق به عمل آمده انجام عمل در مرئی و منظر عموم و یا محلی که معد برای پذیرفتن عموم است خواهد بود. حال باید دانست که آیا ملاً عامی هم که در بعضی از متون قانونی به آن اشاره شده معنای علنی را می‌دهد یعنی دو کلمه مترادف هستند یا بین آن دو فرق است؛ علنی بودن جرم بر اساس یک مبنا به مفهوم «آشکار» و «ظاهر» است و در واقع مرتکب آن را از حالت پوشیده خارج می‌کند به نحوی که شخص یا اشخاص دیگر از آن مطلع شده و آن را در حضور چند نفر مرتکب می‌شود که ناظر و مشاهده‌کننده هستند.

علنی بودن جرم به این مفهوم بر اساس تفسیر قانون‌گذار خود بر چهار قسم است: یکی فقط خبر آن در بین مردم منتشر شود و مردم از وقوع چنین جرمی با خبر شوند که البته امروزه با توجه به پیشرفت فناوریهای اطلاع‌رسانی از قبیل اینترنت در اسرع وقت و به سراسر جهان منتشر می‌شود و همگان آگاه می‌شوند. دوم اینکه علاوه بر اطلاع مردم، مرتکب در حضور آنان جرم را مرتکب شود. سوم اینکه مرتکب جرم را در مکان معد پذیرش عموم انجام دهد ولو اینکه ناظری هم حضور نداشته باشد. چهارم علاوه بر ارتکاب در منظر عموم، در یک مکان عمومی جرم را انجام دهد که با این قید به مفهوم ارتکاب جرم در





ملاً عام می‌رسیم. لازم به ذکر است که منظور از اماکن عمومی امکانه معد برای پذیرایی جماعت کثیری از یک صنف یا اصناف مختلف تعریف شده و اقسام آن به این شرح برشمرده شده است.

الف) مکان عمومی بالذات مانند مسجد (ب) مکان عمومی بالعرض، یعنی برای مکان عمومی ساخته نشده ولی استفاده مکان عمومی از آن شود، مانند خانه‌ای که برای کار مدرسه اجاره و اختصاص داده شده باشد (ج) مکان عمومی به حسب تصادف مانند خانه‌ای که دچار حریق شده و در آن باز و خلق کثیر به داخل آن راه یافته باشد. وجود جمع کثیر شرط صدق مکان عمومی نیست؛ بنابراین دکان مفتوح خالی از مشتری، مکان عمومی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ص ۷۸) به بیانی دیگر مقصود قانون‌گذار از اصطلاح اماکن عمومی کلیه اماکنی است که رفت و آمد یا حضور اشخاص اعم از زن و مرد در آنجا بی قید و شرط یا تحت شرایط خاص برای عموم یا طبقه خاصی از مردم به منظور استفاده‌های معین و مشترک آزاد می‌باشد (پاد، ۱۳۴۷ش، ج ۱، ص ۴۰۰).

اماکن عمومی با توجه به ضوابط و تشریفات ورود و خروج و چگونگی حضور اشخاص بر سه قسم‌اند و عمومیت آنها ممکن است، طبیعی یا وصفی یا اعتباری باشند: ۱- اماکن عمومی طبیعی آنهایی هستند که دائماً و مطلقاً مستعد عبور و مرور عموم بوده و کلیه افراد از حق طبیعی عبور بهره‌ورند مثل شوارع عام و کوچه و خیابان و بازار و تفرج‌گاه ۲- اماکنی که عمومیت وصفی دارند تقاطعی هستند که عبور و مرور و دخول افراد با رعایت مقررات و تشریفات خاصی آزاد است مثل تئاترها، سینماها، حمام و مدارس که با پرداختن وجوه بلیط حق دخول برای هر فردی از عموم افراد ایجاد می‌شود ۳- اماکن عمومی اعتباری تقاطعی هستند که به اعتبار گرد آمدن و جمع شدن عموم و اجتماع، وصف عمومیت را دارا می‌شوند. مثل صحنه‌های نطق و خطابه و اتوبوسها و دکاکین

و قهوه‌خانه‌ها (شامبیاتی، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ص ۵۶۲).

۲. مفهوم ملاً عام

با توجه به موارد گفته شده نتیجه گرفته می‌شود که اماکن عمومی مدنظر در مفهوم ملاً عام، هر دو «مکان عمومی بالفعل؛ یعنی مکانهایی که به طور طبیعی و ذاتی عمومی هستند و همیشه به روی عموم باز است و رایگان و بدون قید و شرط از آن استفاده می‌کنند مانند خیابانها و نظیر آنها و مکان عمومی بالقوه؛ یعنی اماکنی که به طور طبیعی و بالذات عمومی نیستند بلکه در نتیجه عمل انسانی و به منظور استفاده خاص عمومی می‌شوند نظیر مساجد و فروشگاه‌ها و به طور کلی تمام اماکنی که عموم مردم می‌توانند در برابر پرداخت وجه و استفاده از کالایی به آن راه یابند مانند رستورانها و نظایر آن، مد نظر است. همچنین با توجه به معنای لغوی ملاً عام که معنای همگانی و عرصه عمومی را می‌رساند و به جماعت بسیاری از مردم اطلاق می‌شود. این مفهوم، شامل اجتماعات ذاتی نظیر مسجد یا راهپیمایی و اجتماعات عارضی نظیر موردی که جمعیتی برای برپا شدن حد بر شخصی برپا شده باشد خواهد شد از این رو برای اینکه جرمی در ملاً عام محسوب شود؛ می‌بایست دو ضابطه مکان و اجتماعات عمومی و در انظار عمومی بودن را توأمان دارا باشد.

۳. تفاوت میان مفهوم «علنی» و «ملاً عام»

تفاوت این دو مفهوم (جرم در علن و جرم در ملاً عام) در این است که برای علنی بودن جرم، آگاه شدن و مشاهده یک نفر هم کفایت می‌کند و مفهوم علنی بودن مصداق پیدا می‌کند و یکی از دو عنصر مکان معد برای پذیرش عموم و در منظر عمومی بودن کافی است؛ لذا منظور از ارتکاب علنی جرایم، اتفاق افتادن آنها در ملاً عام نیست و مفهوم ملاً عام گسترده‌تر از علنی است یعنی هر امری که در ملاً عام صورت گیرد شامل ضابطه علنی است. ولی عکس آن همیشه

صادق نیست؛ چرا که در بسیاری از موارد امری به صورت آشکار و علنی است بدون آن که در ملأ عام باشد؛ بنابراین بین کلمات علنی و ملأ عام اتحاد معنی نبوده و دو لفظ مترادف نیستند زیرا کلمه علنی صرفاً معنی آشکارا بودن عمل را می‌دهد، در حالی که در ملأ عام بودن به معنی در نظر عموم و ناظرین است و از آنجا که کلمه ملأ عام در قوانین موضوعه، عنوان خارجی ندارد، بر اساس نظر مقنین در مواد مرتبط با این‌گونه جرایم، اینها یکی پنداشته شده‌اند. در حالیکه بین کلمات علنی و ملأ عام عموم و خصوص من وجه است و همه وقت به کلمه علنی، ملأ عام اطلاق نمی‌شود. از همین جهت باید به استفاده از این لفظ در ارتکاب جرایم در ملأ عام دقت نظر نمود.

- ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی: «غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود. تبصره: اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد.»

- ماده ۷۰۱ قانون مجازات اسلامی: «هرکس متجاهراً و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود.»^{۱۸}

- ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی: «قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند و در صورت تظاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می‌گردند.» قمارعلنی یا تظاهر به قمار وقتی

۱۸. عنوان: مفهوم علنی بودن ارتکاب فعل مجرمانه. پیام: ارتکاب عمل به صورت علنی و در انظار عمومی به معنای آن نیست که کسی شاهد عمل بوده باشد، بلکه قابلیت عمل برای این که در معرض دید دیگران قرار گیرد کافی است (مستندات: مواد ۶۳۸ و ۷۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵؛ شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۴۰۰۶۴۸، تاریخ دادنامه قطعی ۱۳۹۳/۰۵/۲۳ رئیس شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

تحقق پیدا می‌کند که عمل در مرئی و منظر عمومی باشد. بنابراین اگر محل وقوع قضیه سر کوره را خارج از شهر باشد مشمول قسمت اول ماده خواهد بود نه قسمت اخیر آن (حکم شماره ۶۸ شعبه ۶؛ گلدوزیان، ۱۳۹۶ش، ص ۴۵۲).

۴. تفاوت میان مفهوم «علنی» و «تجاهر به فسق» برای فهم عمیق تعبیر ملأ عام و تفاوت آن با دو مفهوم علن و تجاهر به کار رفته در مواد قانونی، باید دانست که آیا تجاهر به فسق و جرم هم که در بعضی از مواد قانونی به آن اشاره شده معنای علنی را می‌دهد یعنی دو کلمه مترادف هستند یا بین آن دو فرق است؛ مطابق پرونده‌های کیفری که در ماموریت‌های خارج از مرکز به حوزه‌های قضایی شهرستانها مشاهده گردیده غالب دادرسان محترم صرف استعمال مسکرات و یا کشیدن وافور در کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها را جرم دانسته و مرتکب را طبق ماده ۲۷۵ قانون کیفر عمومی قابل تعقیب می‌دانند برای توجه به خاطر خوانندگان محترم عین ماده ۲۷۵ قانون کیفر عمومی ذیل نقل می‌شود: «هرکس متجاهراً استعمال مسکرات یا افیون یا شیره تریاک یا مرفین یا بنگ نماید به حبس تأدیبی از هشت روز تا سه ماه یا به تأدیه غرامت از ده تومن الی پنجاه تومان محکوم خواهد شد.» در حالی که به نظر نویسنده بین کلمات علنی و تجاهر اتحاد معنی نبوده و دو لفظ مترادف نیستند زیرا کلمه علنی صرفاً معنی آشکارا بودن عمل را می‌دهد بدون اینکه مرتکب نیت و قصد داشته باشد که فعل خود را به مردم وانمود کرده و به رخ ناظرین بکشد که من چنین عملی را انجام می‌دهم.

در حالی که تجاهر نمودن به عمل جلب کردن نظر عموم و ناظرین است از طرف مرتکب به فعل شنیع خود و به عبارت دیگر انجام عمل به طور علنی از لحاظ عدم امکان مرتکب است به جلوگیری از هوای نفس ولی تجاهر به عمل به معنی کار صدادار و بلند





و جلب نظر و دقت حاضرین است به فعل ارتكابی (که در عین حال مرتکب امکان داشته از هوای نفس خود جلوگیری کرده و آن عمل را انجام ندهد و مع الوصف علی‌رغم ناموس عفت و حیاء تجاهر به عمل زشت و ناپسندی کرده است) بنابراین تجاهر به فسق معنای علنی بودن در قانون را نمی‌دهد و این کلمه خود در قانون، عنوان خارجی دارد و چنانچه نظر مقنن در ماده ۲۷۵ فوق‌الذکر صرف ارتکاب عمل در امکان عمومی یا در مرئی و منظر عموم جرم بود قطعاً به جای کلمه تجاهر کلمه علنی را وضع می‌نمود و چون بین کلمات علنی و تجاهر عموم و خصوص من وجه است و همه وقت به کلمه تجاهر اطلاق علنی نمی‌شود از همین جهت قانون‌گذار از ذکر کلمه علنی در ماده نامبرده خودداری کرده است. بنا به مراتب مذکوره جرم مذکور در مورد ۲۷۵ کیفر عمومی مصداق خارجی پیدا نمی‌کند مگر در مواردی که مرتکب در عمل خود تظاهر و تجاهر نماید (ر.ک: تمدن، ۱۳۲۲، ص ۴۹۹).

بر اساس تعاریف فوق از جرم علنی و جرم تجاهر به فسق؛ علی‌الظاهر تجاهر به دو معنا مد نظر خواهد بود: اول، تجاهر به یک معنا مترادف علن^{۱۹} دوم، تجاهر در مقابل مخفی بودن؛ زمانی که جرمی مخفی نباشد تجاهر است. یک جرم زمانی مخفی نیست که یک نفر، دو نفر و هزاران نفر ببینند که در این صورت معنایی اعم و اوسع از علن خواهد داشت؛ چرا که جرم علنی با مشاهده یک نفر هم تحقق می‌یابد.

بعد از فهم تفاوت میان دو مفهوم علن با تجاهر، به نظر می‌رسد رابطه میان جرم در ملأ عام با تجاهر به فسق، عموم و خصوص من وجه خواهد بود؛ به این معنا که هر تجاهر به فسقی به اعتبار تعداد ناظرین بیش از سه نفر، جرم در ملأ عام به حساب می‌آیند و از

۱۹. مفهوم علن در ترمینولوژی حقوق به این صورت بیان شده است: «وصف مکانی از امکان وقوع جرم است که امکان اطلاع جمع نامحدود (زیاد) بر جرم مذکور در بین باشد ولو اینکه در حین جرم یک نفر هم حاضر نباشد».

طرفی جرایم در ملأ عام با دارا بودن دو شرط می‌تواند یکی از مصادیق جرم تجاهر به فسق قرار گیرد: یکی به اعتبار ارتکاب در امکان و انظار عمومی و اعتبار دوم با این استدلال قابل توجیه خواهد بود که؛ چون ملأ عام، قید ارتکاب جرم است و تحقق خود جرم نیازمند به قصد می‌باشد، بنابراین در صورت احراز قصد نوعی در جرایم در ملأ عام، این جرم، تجاهر به فسق نیز خوانده شود.

نتیجه‌گیری

از کلمات فقهای مذاهب اسلامی استفاده می‌شود که «ملأ عام» حقیقت شرعیه ندارد؛ واژه ملأ عام بر حسب معنای لغوی به معنای انظار و امکان عمومی و همگانی که مردم حضور دارند است. این واژه با تعبیر «فی ملأ من الناس» در اصطلاح فقهی به کار رفته است و وجه اشتراک آن با مفاهیم مشابه در فقه اسلامی و حقوق در ضابطه دیده شدن است؛ اما آنچه که وجه تمایز این مفهوم با سایر مفاهیم مشابه است تعداد افراد ناظر می‌باشد. بر اساس مبنایی که برای تحقق مفهوم ملأ عام، انظار عمومی را حداقل شامل سه نفر دانسته است، چنانچه جرمی در حضور دو نفر یا کمتر از این اتفاق افتد چون جرم علنی، جرم مشهود و تظاهر به حرام با دیده شدن توسط یک نفر هم محقق می‌شوند، دیگر شامل مفهوم ملأ عام نخواهند بود.

اما بر اساس مبنای حقیقت عرفی در اصطلاح فقها و حقوقدانان از تعبیر ملأ عام که جماعتی از مردم را در بر می‌گیرد و معنای جماعت که بنا بر احتیاط شامل بیش از سه نفر می‌باشد، در این صورت رابطه مفاهیم مشابه با ملأ عام رابطه عموم و خصوص من وجه خواهد بود. به بیان دیگر بعضی از جرایم علنی و مشهود و تظاهر به فسق، جرایم در ملأ عام خواهند بود در صورتی که؛ افراد ناظر بیش از سه نفر باشند و بعضی از جرایم علنی، جرایم در ملأ عام نخواهند بود و این در صورتی است که افراد ناظر کمتر از سه نفر باشند.

- قرآن کریم.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق).
- عوالی الثالی. قم: سیدالشهداء.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق).
- السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن براج، عبدالعزيز بن نحریر (۱۴۰۶ق). المذهب.
- قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر (۱۴۱۲ق). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۲ش). آیین دادرسی کیفری کاربردی. تهران: میزان.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۱ش). فرهنگ عربی - فارسی. تهران: نی.
- آل حمدان غامدی، ذیاب بن سعد (۱۴۲۹ق).
- احکام المجاهدين بالكبائر. بی جا: دار ابن الجوزی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق).
- المكاسب المحرمه. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انوری، حسن (۱۳۸۱ش). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. دمشق: دار طوق النجاة.
- یاد، ابراهیم (۱۳۴۷ش). حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص. تهران: دانشگاه تهران.
- تمدن، خلیل (۱۳۲۲ش). فرق بین تجاهر و علنی از نقطه نظر کیفری. مجموعه حقوقی، (۱۲)، ۴۹۹-۵۰۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸ش). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق (۱۳۷۶ق). منهاج الفقاهه. قم: انوار الهدی.
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- حسینی شاهرودی، سید علی (بی تا). محاضرات فی الفقه الجعفری. قم: دارالکتاب اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱ق). تلخیص المرام فی معرفة الأحكام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- همو (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق). المكاسب المحرمه. قم: اسماعیلیان.
- خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهة (المکاسب). قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوبی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدار الشامیة.
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۵ق). الفقه الإسلامی و أدلته. دمشق: دارالفکر.
- ابو جیب، سعدی (۱۴۰۸ق). القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً. دمشق: دارالفکر.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲ش). حقوق کیفری اختصاصی جرایم بر ضد مصالح عمومی کشور. تهران: زوبین.
- شکری، رضا، و سیروس، قادر (۱۳۸۲ش). قانون





- مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی. تهران: مهاجر. دارالحديث.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار - گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶ش). محشای قانون فی غرر الأخبار. نجف: المكتبة الحیدریه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة. قاهره: دارالفضیله.
- عمر، احمد مختار (۲۰۰۸م). معجم اللغة العربیة المعاصرة. قاهره: عالم الکتب.
- عمید، حسن (۱۳۷۴ش). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: دارالرضی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). الکافی. قم: دارالحديث.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۶۷ش). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحديث.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
- معین، محمد (۱۳۷۴ش). فرهنگ معین. تهران: معین.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۳ق). انوار الفقاهة - کتاب التجارة. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).
- همو (۱۳۸۷ش). لغات در تفسیر نمونه. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).
- مناوی، عبدالرؤف (۱۳۶۵ق). فیض التقدير. قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
- نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نووی، یحیی بن شرف (۱۴۲۳ق). روضة الطالبین. ریاض: دار عالم الکتب.